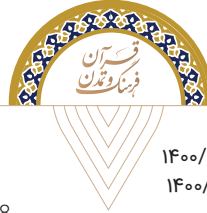


بررسی تألیفات قرآن پژوهان اصفهان و تأثیر  
آن بر حیات فکری این شهر  
(از سده اول تا پایان سده پنجم)



سید احمد سجادی جزئی \*

مقاله ترویجی

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵  
پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

doi: 10.22034/JKSL.2022.324809.1058

### چکیده

اصفهان به عنوان یکی از جایگاه‌های تمدن اسلامی همواره مورد توجه فرهیختگان و سیاحان و حتی عالمان دینی بوده و زادگاه اندیشمندان، محدثان، راویان حدیث، مفسران و قاریان متعددی است که با بررسی در ادوار و سده‌های آغازین اسلام پی می‌بریم برخی از دانشمندان فنون قرآنی از این خطه بوده و یا در این حوزه علمی کسب معلومات و علم کرده و فیوضات ربانی و قرآنی را به قلوب و استماع دانش‌پژوهان رسانده‌اند که در پنج سده اول تاریخ اسلام، شاهد حضور حدود چهل دانشمند هستیم که تألیفاتی در تفسیر و علوم قرآن داشته که بررسی دوران زندگی و خدماتی آنان نکات زیبایی را در تاریخ و تمدن قرآنی شهر اصفهان بازگو خواهد کرد؛ اینک تألیفات این قرآن پژوهان در سده‌های مختلف چه بوده و با چه هدفی نگاشته شده و چه تأثیری بر حیات فکری مردم اصفهان داشته است، سوال اصلی این پژوهش است که سعی شده با مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل‌های تاریخی به این سوال پاسخ داده شود. ترویج علوم قرآنی، آموزش صحیح قرائت قرآن، ترویج مفاهیم شیعی با توسل به تفسیر آیات قرآن از جمله اهداف قرآن پژوهان اصفهان در پنج سده نخست به شمار می‌رود لازم به ذکر است اولاً برخی از قرآن شناسان آن سده‌ها هیچگونه تألیفی نداشته‌اند که در این مقاله نیز نامی از آنان برده نشده است و ثانیاً منظور از اصفهان منطقه و شهر کنونی و روستاهای مجاور و نزدیک است.

واژگان کلیدی: قرآن، تاریخ اصفهان، تفسیر قرآن، مفسران ایرانی، رجال اصفهانی.

\* سطح چهار حوزه علمیه قم، فقه و اصول، قم، ایران  
sas\_313@yahoo.com

## مقدمه

در طی چهارده قرن دوران اسلامی، دانشمندان و فرهیختگان مسلمان همواره در تلاش برای عرضه معلومات قرآنی خود به مردم و جوامع علمی بوده‌اند و عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی حکومت‌های مختلف در اشاعه فرهنگ قرآنی در شهرها نقش و تأثیر به سزائی داشته است.

اصفهان از نوادر شهرهائی است که در دوره‌های مختلف و حکومت‌های متعدد با جمع کثیری از پژوهشگران همراه بوده که علیرغم تنگناها و مشکلات فراوان، رونق علمی این شهر پا برجا مانده و در کنار حرکت‌های علمی و فرهنگی، توجه به فهم و دقت در دانش‌های برخاسته از قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (ع)، در این شهر استمرار داشته و عالمان فرزانه‌ای در این شهر به بحث و تبادل نظرهای علمی و دینی مشغول بوده و دامنه علومشان به تمامی عالم اسلام سرازیر گشته است.

در مقاله حاضر به معرفی و ارزیابی عملکردی قرآن‌شناسان سده‌های اول تا پایان سده پنجم در اصفهان کرده‌ام که علیرغم معرفی ده‌ها عالم حوزه قرآن پژوهی در اصفهان، نمی‌توان ادعا نمود حتی نیمی از قرآن پژوهانی که در این پنج سده در اصفهان بوده‌اند را بتوانم احصاء نمایم، چرا که از جهت‌های مختلف با محدودیت‌های متعدد همانند؛ عدم وجود نام نویسنده در برخی نسخه‌های بازمانده خطی در پژوهش‌های قرآنی از آن دوران، از بین رفتن آثار ارزشمند قرآنی دانشمندان و عالمان در اثر کتاب سوزی‌ها و حمله‌های مغول و افاغنه به شهر اصفهان و چپاول آثار علمی این شهر و عدم تدوین دقیق زندگی‌نامه اندیشمندان سده‌های اول و.... روبه رو هستیم.

مبنای ذکر اسامی افراد در این پژوهش، اندیشمندانی هستند که اولاً دارای اثری مکتوب در زمینه قرآن بوده و در کتابشناسی‌ها و تراجم از پژوهش‌های قرآنی آنان، یاد شده و یا نام آنان به عنوان عالمان مولف علوم قرآنی و یا تفسیر، مطرح باشد و ثانیاً در اصفهان و یا روستاهای نزدیک آن به دنیا آمده و یا مدت زمانی را در آنجا زندگی کرده و یا در این شهر از دنیا رفته باشند.

## پیشینه پژوهشی

در زمینه قرآن پژوهی در اصفهان تکنون مطالعاتی صورت پذیرفته است که از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱- قرآن پژوهان اصفهان ( سجادی، ۱۳۸۸) : این کتاب که حاصل تألیف مؤلف همین



مقاله است سعی در بررسی مولفات قرآن پژوهان اصفهان در طول ۱۴ قرن است که از قرون اولیه تاکنون را در بر گرفته است. هرچند این کتاب مبنای اولیه این مقاله می باشد و تألیفی ارزشمند است ولی بیشتر به معرفی و مرور آثار پرداخته و کمتر جنبه تحلیلی دارد. مؤلف در طول سالیان بعد از تألیف این کتاب به مطالب جدیدی دست یافته که در این کتاب منتشر نگردیده و در این مقاله به آن ها اشاره شده است.

۲- آشنائی با قرآن پژوهان اصفهان (قوام نیا، ۱۳۸۰-۱۳۸۱): این تألیف سلسله مقالاتی است که پژوهشگر ارجمند که در کجله قرآنی کوثر انتشار یافته است. محتوای این مطالب ارزشمند و دقیق است ولی فقط معرفی برخی از تألیفات صورت پذیرفته است  
۳- جلوه قرآن در خاک تابان (عقیلی و خلیلیان، ۱۳۸۷): کتاب ارزشمندی است که به معرفی مشاهیر قرآنی در تخت فولاد اصفهان پرداخته است. این اثر علاوه بر زندگی نامه قرآن پژوهان به معرفی آثار ایشان نیز پرداخته ولی فقط معطوف به مدفونین در تخت فولاد اصفهان است که بیشتر این افراد مربوط به دوران صفوی به بعد است و از این حیث با محتوای این تفاوت دارد.

۴- واکاوی آثار تفسیری قرآنی در فرهنگ و تمدن اسلامی (عقیلی، ۱۴۰۰): عنوان مقاله ای است که در شماره سوم (بهار ۱۴۰۰) فصل نامه قرآن، فرهنگ و تمدن به چاپ رسیده است. این مقاله نیز به معرفی قرآن پژوهان اصفهان (مدفون در تخت فولاد) و تأثیر ایشان در رشد فرهنگ و تمدن اسلامی در این شهر اشاره دارد و بیشتر به معرفی نسخ خطی مغفول مانده ایشان پرداخته است. این مقاله با آن که مقاله ای تحلیلی و ارزشمند است ولی قرآن پژوهانی را که مربوط به دوران بعد از صفویه و مدفون در تخت فولاد اصفهان است را مورد بررسی قرار داده و از این حیث با این مقاله متفاوت است.

منابع مطالعاتی بر مبنای طرح پژوهش در پنج گروه مختلف جای گرفته اند؛ گروه اول شامل کتابها و تفسیرهای قرآن است که مربوط به عالمان و مشاهیر پنج سده اول در اصفهان است، گروه دوم شامل کتابنامه ها و کتابشناسی های مختلف است که به معرفی کتب و تحقیقات های قرآنی اشاره کرده است، گروه سوم شامل کتابهای تاریخی است که تحولات پنج سده اول را بازگو و مورد بررسی قرار داده است، گروه چهارم شامل کتابهای تراجم است که به معرفی اندیشمندان و عالمان دوره های مختلف پرداخته است، گروه پنجم شامل کتابها و مقالات معاصر است که به بررسی پنج سده اول در اصفهان پرداخته اند.

باید توجه داشت در هریک از پروه های پنج گانه فوق، معرفی برخی از عالمان اصفهان

و تحولات آن دوران در حوزه مطالعات قرآنی ذکر شده است در مقاله حاضر سعی شده بصورت جامع و تطبیقی محوریت معرفی قرآن پژوهان شاخص در طی پنج قرن اول مورد توجه قرار گیرد.

## ۱- روش پژوهش

مطالعات کتابخانه‌ای جامع دیدگاهی روشن و جامعی نسبت به موضوع در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد، بر این مبنا اسناد و تألیفات در گروه‌های فوق‌الذکر در راستای موضوع، مورد مطالعه قرار گرفته است، و داده‌های حاصل از مطالعات با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با تفکیک سده‌های مختلف بر مبنای سال وفات عالمان، بیان گردیده است.

## ۲- سده اول

در سال ۲۳ق با پیمان صلح، شهر اصفهان به وسیله عبدالله بن بُدَیل بن ورقاء خزاعی، (یکی از شیعیان امام علی علیه السلام) در دامان اسلام جای گرفت و نخستین مسجد در اصفهان در محله خُشینان بنا شد (هم‌اکنون آثار آن در جوار امامزاده اسماعیل موجود است) و از همان مکان کار تعلیم و تربیت همگانی و آموزش قرآن آغاز شد. (ابونعیم اصفهانی ۱۴۱۰، ج ۱، ۳۶ و ۱۰۴) و برخی از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصفهان آمدند و تا پایان عمر در این شهر ماندند.

از جمله این افراد «حُمَقه دوسی» است، وی اولین کسی است که قرآن را به اصفهان آورد و به تعلیم آن پرداخت و مردم اصفهان را با مفاهیم بلند این کتاب آسمانی آشنا کرد. از ابوموسی نقل شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر از شهادت وی دادند. (همان، ۷۱) و میر سید علی جناب، نویسنده کتاب «الاصفهان» می‌گوید: «در اصفهان قبری منسوب به نخستین آورنده قرآن به این شهر وجود دارد که می‌توان آن را به حممه دوسی نسبت داد. (جناب، ۱۳۸۵، ۲۰۷)

«ابو محمد عبدالله بن باذان المقرئ» در اصفهان سکنا گزید و به تعلیم قرآن و قرائت آن پرداخت و در سال ۳۰ ق از دنیا رفت (ابونعیم اصفهانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۸۳) «وثاب بن ابی یحیی بن وثاب» امام و پیشوای قرائت بود که در اصفهان متولد شد و بهمراه فرزندش به کوفه رفت و از فصیحان عرب گشت و در سال ۱۳۰ق از دنیا رفت (همان، ۳۳۳؛ ابوالشیخ، بی‌تا، ۴۹)

جدیت در باره تعلیم و تعلم قرآن در شهر اصفهان تا بدانجا پیش رفت که شاهد حضور و ظهور چهره‌های جهانی قرآن از این شهر در سده اول هستیم.

«نافع بن عبدالرحمن بن ابی نعیم اصفهانی» از قاریان سبعة است که در حدود سال



۷۰هـ.ق در اصفهان به دنیا آمد<sup>۱</sup> و در این شهر به فراگیری علوم قرآن پرداخت و سپس به برای تکمیل دانش خود مدینه منوره عزیمت کرد، و در آن شهر اقامت گزید و با هوش سرشاری که داشت توانست از قرآن قرائتی ارائه نماید و بر هفتاد نفر از تابعین رسول خدا ﷺ قرائت نماید و در نهایت اهل مدینه از قرائت او متابعت نمودند و مالک بن انس، قرائت او را سنت دانست. دلیل اهمیت نافع نیز آن است که او قرائت را از ابو میمون مولى ام سلمه همسر گرامی پیامبر اسلامی آموخته است. (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۵، ۳۶۸)

«قیس آل قیس» نویسنده کتاب «الایرانیون والادب العربی» در تجلیل از مقام علمی نافع وعظمت قرائت او به نقل از یکی از مستشرقان می‌نویسد: «همانطور که قرائت حفص از عاصم در شرق غالب است، در مغرب زمین قرائت نافع از ورش رواج دارد» (آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۵۷؛ معرفت، ۱۳۸۲، ۱۴۸) ابن خلکان نیز او را جزء طبقه سوم قراء بعد از صحابه بیان می‌کند که قرائت مدینه به او ختم می‌شود (ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۵، ۳۶۸) همچنین ابوشامه مقدسی از استادان بزرگ قرائت در قرن هفتم قرائت نافع و سپس عاصم را از نظر فصاحت عربی فصیح‌ترین و از نظر سند مستندترین قرائت می‌داند ابو شامه، ۱۳۹۵، ۱۵۸). بدین گونه می‌توان بیان کرد که ابونافع بن عبد الرحمن اصفهانی، بیشترین سهم را در رواج قرائت صحیح قرآن کریم در جهان اسلام داشته است و این اولین قدم قرآن پژوهان اصفهانی در راستای اعتلای قرائت قرآن به شمار می‌رود که نه تنها مردم مدینه آن عصر از آن بهره بردند بلکه امروزه نیز اکثر کشورهای اسلامی نیز همچنان از میراث علمی ابونافع منتفع می‌شوند. در هیچ یک از منابع رجالی به مذهب رافع اشاره نشده است و به همین دلیل کمتر در این زمینه بحث شده ولی برخی از پژوهشگران جدید مذهب وی را تشیع می‌دانند. (ر.ک: عاشوری، ۱۳۷۷، ۱۲۷-۱۳۱)

در سال وفات نافع اختلاف است، اما طبق قول صحیح، وی در سال ۱۶۹ق از دنیا رفت و در قبرستان بقیع مدفون گردید و اکنون زیارتگاه مسلمانان می‌باشد. (ابی محمد انصاری، ۱۴۰۸، ج ۱، ۳۸۱ - ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۳۲۶؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۹۷۲)

### ۳- سده دوم

مسجد جامع اصفهان در حدود سال ۱۵۰ق به وسیله والی عباسی «ایوب بن زیاد» بنیان گذاشته شد و خانه‌های یهودیه و دیه خشینان به هم پیوستند و جلسات درس از محله خشینان به این مسجد راه یافت که در این دوران «ابوعبدالرحمن قتیبه بن مهران

۱. روایت اصفهانی بودن نافع را از منابع پیشین همچون طبقات المحدثین بایصفهان: ج ۱، ص ۳۸۱؛ الفهرست: ص ۳۱؛ تاریخ الأدب الغه العربیه: ج ۱، ص ۲۱۲ می‌توان دریافت.

آزادانی» به تربیت شاگردان متعددی در زمینه فنون قرائت قرآن پرداخت. او که در روستای «آزادان» از توابع اصفهان به دنیا آمد، در زمینه قرائت‌های مختلف قرآن از عالمان بزرگ واز محدّثان معروف به شمار می‌آید و مدّت زیادی از محضر «علی بن حمزه کسائی» استفاده کرد؛ خود در این باره می‌گوید: «یک بار قرآن را از آغاز تا پایان برای کسائی قرائت کردم و وی نیز برای من چنین کرد.» آزادانی علاوه بر علم قرائت، راوی بسیاری از احادیث است و در سال ۲۰۰ق از دنیا رفت. (سمعانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۷۱؛ جناب، ۱۳۸۵، ۲۰۷ - مهدوی، ۱۳۸۲، ۲۷۵)

از دیگر تأثیر گزاران سده دوم و سوم می‌توان از «ابو جعفر محمد به اسماعیل بن فضیل المقرئ» (م ۲۳۰ق) یاد کرد او عالم به قرائات بود. (ابوالشیخ، بی‌تا، ۲۰۰۰). «ابو عبدالله محمد بن عیسی المقرئ» (م ۲۴۱ق) در اصفهان متولد و پیشوای قرائت در این شهر بود و کتابی در قرائات تالیف کرد. (همان، ۱۰۲).

«محمد بن عیسی ابن ابراهیم بن زریق التمیمی المقرئ» (م ۲۴۱ق) عالم عصر خویش در قرائات بود که دو کتاب درباره قرآن به نام «الجامع» در قرائت و کتابی در شیوه نگارش خط قرآن با نام «رسم القرآن» نگاشت و در شهر اصفهان وفات یافت. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۱۳).

#### ۴- سده سوم

در روزگار حکومت خاندان ابی دُلف، (۲۱۰ تا ۲۸۵ق) اصفهان مرکز و دارالاماره همه بلاد شد (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ۱۱) و در سال ۲۶۶ق عبدالله بن حسن ذکوانی مسجد را گسترش داد و در این سده توجه به علم آنچهان بالا گرفت که استاد الرئیس ابوالعباس ضبّی کتابخانه بزرگی با حجره‌ها و مخازن متعدد بنیاد کرد که فهرست کتاب‌های موجود در کتابخانه در سه مجلد بزرگ شامل کتاب‌های تفسیر، حدیث، صرف و نحو و لغت، شعر، تاریخ و زبان، منطق، الهیات و غیره تدوین شده بود (مافروخی، ۱۳۸۵، ۸۵).

توجه به علم و دانش باعث شد عالمان و دانشمندان متعددی در سده سوم در شهر اصفهان بُروز نمایند و شاهد حضور هفت قرآن پژوه هستیم:

۱- «ابو مسعود احمد بن فرات بن خالد رازی» (متوفای ۲۵۸ق) از محدّثان بزرگی است که به شهرهای مختلفی سفر کرد و در نهایت به اصفهان آمد و به مدّت ۴۵ سال در این شهر ماندگار شد. «احمد بن حنبل» احترام شایانی برای وی قائل است. به طوری که در شأن او گوید: در زیر آسمان، پرحافظه‌تر از ابن فرات برای اخبار نبوی وجود ندارد. شیخ أبو مسعود رازی در مسیر سفر حج بیت الله، وارد اصفهان گردید و در آن هنگام متوجه شد،



که جمع زیادی از مردم اصفهان، تحت تأثیر حکومت دشمنان أهل البيت عليهم السلام در سبّ أمير المؤمنين عليه السلام کوشش دارند و گویندگان رسمی، در بالای منبرها، به مقام منیع آن حضرت جسارت می‌نمایند، لذا هدایت مردم را، بر حجّ بیت الله، ترجیح داد و تصمیم گرفت آنها را از این گناه و انحراف بزرگ، رهائی بخشد، و چهار سال در شهر اصفهان اقامت جست. ( آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۱، ۴۰۵). هرچند در منابع رجالی هم به مذهب سنی و هم تشیع وی اشاره شده است ولی از این مطلب مرحوم آقا بزرگ تهرانی می‌توان به شیعه بودن وی پی برد. از طرفی ماندگاری مقبره وی تاکنون در اصفهان و وجود موقوفات فراوان برای بقعه او نیز دلیل دیگری بر تشیع وی می‌تواند باشد. کتاب بزرگ «المسند» که دارای احادیث زیادی است، و کتاب «التفسیر» از تألیفات عمده او به شمار می‌رود.

این محدّث و مفسّر عالی‌رتبه، در اصفهان دار فانی را وداع گفت و قاضی ابراهیم بن احمد خطابی بر او نماز گزارد و محمد بن عاصم او را غسل داد و در مقبره «مردبان» دفن گردید. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۱، ۸۲؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۲، ۴۵؛ زرکلی، ج ۱، ۱۹۴؛ مهدوی، ۱۳۸۲، ۷۹)

۲- «ابو احمد اسماعیل بن حریث بن مردانیه قطن اصفهانی» (متوفای ۲۶۰ق) از محدّثان و به زهد و عبادت و کثرت حدیث معروف بود و تفسیری بر قرآن نگاشت. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۱، ۲۰۹ - مهدوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۲۲)

۳- «ابوسلیمان داوود بن علی بن خلف اصفهانی» (۲۰۲-۲۷۰ق) از علماء و فقهاء بزرگ شافعی که چون به ظاهر قرآن و روایت حکم می‌کرد و قیاس و تأویل را باطل می‌دانست، به «ظاهری» معروف شد و جمعی به پیروی از او برخاستند و مذهبی به این نام تأسیس گشت. او کتاب‌های متعددی نگاشته و کتاب «احکام القرآن» سهم قرآن پژوهی او است. (ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ۱۰۲؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۳۵۹؛ ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۴، ۲۵۹؛ مهدوی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۵۹۷)

۴- «ابو اسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی اصفهانی» (متوفای ۲۸۳ق) از علماء بزرگ و صاحب کتاب ارزشمند «الغارات»، در کوفه به دنیا آمد. وی ابتدا زیدی مذهب بود، اما در ادامه به شیعه امامیه گرایش پیدا کرد و تمام تلاش و کوشش خود را برای معرفی و بازشناسایی این مذهب و اهل بیت علیهم‌السلام به کار گرفت، به طوری که اکثر تألیف‌هایش که بیش از پنجاه عنوان است، پیرامون این موضوع می‌باشد.

علماء بزرگی همچون شیخ طوسی، شیخ کلینی، شیخ صدوق، سید ابن طاوس و علامه مجلسی به روایات و نوشته‌های او اعتماد نموده واز آنها استفاده کرده‌اند و بسیاری از

راویان برجسته شیعه در سده سوم هجری همچون ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن علویه اصفهانی، حسن بن علی زعفرانی و محمد بن حسن الصفار از او بهره بردند.

ابراهیم ثقفی آنچنان در معرفی فضائل اهل بیت علیهم السلام بی‌باک بود که از هیچ خطری نمی‌هراسید. نقل است که وقتی او نوشتن کتاب «المعرفة فی المناقب والمثالب» را (که در آن به ذکر مناقب اهل بیت علیهم السلام و ستم‌های دشمنان در حق ایشان پرداخته بود) به پایان برد، گروهی از مردم کوفه وی را از انتشارش برحذر داشتند. اما او برخلاف این خواسته عمل کرد و علاوه بر نشر وسیع کتاب، به اصفهان که در آن زمان مردمش بیشترین دشمنی را با حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشتند، سفر کرد و ضمن سکونت در آن شهر به نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام اقدام نمود.

این عالم وظیفه شناس و آینده‌نگر آن چنان در سکونتش در شهر اصفهان اصرار داشت که وقتی عده‌ای از مردم قم از وی درخواست اقامت در شهرشان را کردند نپذیرفت و همچنان در آن شهر سکنی گزید و به هدایت جمع کثیری از مردم پرداخت و توانست حبّ حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد پاکش را در دل مردم اصفهان فراگیر نماید.

ابراهیم ثقفی از جمله مورخین محدث و مفسر است که کتاب‌های «الجمل»، «فدک»، «صفین»، «حکمین»، «نهروان»، «مقتل امیرالمؤمنین»، «مقتل الحسین» و «المودة فی ذی القربی» را تألیف کرده و دور از انتظار نیست که کتاب «ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین» از تلاش‌های قرآنی او باشد. وی در این کتاب به جمع‌آوری آیاتی که با وجود مقدّس امام علی علیه السلام ارتباط دارد، پرداخته است. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۸۷؛ جناب، ۱۳۸۵، ۱۷۰؛ موسوی خوانساری، بی‌تا، ج ۱، ۴؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۲۱؛ جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵، ج ۴، ۱۷-۱۰)

۵- «ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی عاصم ظاهری شیبانی» معروف به «ابن النبیل» (۲۰۶ - ۲۷۸ق) از محدثان و فقهاء بزرگ بود که به ظاهر آیات و روایات حکم می‌راند و مدت سیزده سال منصب قضاوت در اصفهان را بر عهده داشت.

بنا بر نقل «زرکلی»، او نزدیک به سیصد جلد کتاب نگاشت ولی به دلیل فتنه‌ای که در زمان نویسنده اتفاق افتاد، به یغما رفت. اما وی باز پنجاه هزار حدیث از حفظ نگاشت و تفسیری بر قرآن کریم نیز تألیف نمود. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۰۱؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۱، ۱۸۹؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۴، ۷؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۷۳۶)

۶- «عبدالرحمن بن محمد بن سلم رازی اصفهانی» (۲۱۱-۲۹۱ق) در شهر ری به دنیا آمد و پس از کسب علوم از عالمان ری، به اصفهان آمد و علاوه بر تحصیل و تعلیم علوم دینی در مسجد جامع اصفهان، امامت جماعت نمود.





از آثارش می‌توان به «المسند» در حدیث، «التفسیر» در تفسیری بر قرآن اشاره نمود. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۴، ۹۹؛ کریمان، ۱۳۴۹، ج ۲، ۳۱۹؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ۵۳۰-۵۳۱؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۵، ۱۷۵؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۱۳؛ ابی محمد انصاری، ۱۴۰۸، ج ۳، ۵۳۰)

۷- «ابو عبدالله محمد بن عیسی بن ابراهیم اصفهانی» در اصل اصفهانی است. و از پیشوایان و نویسندگان در قرائات، در عصر خود بود. «فضل بن شاذان» از بزرگ‌ترین شاگردانش محسوب می‌شود، و قرائت را از وی روایت کرده است. همچنین او علاوه بر خدمات قرآنی از محدثان بزرگ به شمار می‌آید. ابو نعیم اصفهانی او را متبحرترین فرد در زمینه قرائات می‌داند. از او کتاب‌های متعددی به یادگار مانده است که برای نمونه می‌توان به: «الجامع» در زمینه قرائت‌های قرآن، «رسم القرآن الکریم»، «العدد» و «جواز قرآءة القرآن علی طریق المخاطبة» اشاره کرد. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۱۷۹؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۶، ۳۲۲؛ آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۷۷)

در قرن سوم آثار فقط یک دانشمند قرآن پژوه اصفهانی (مورد ۷) به علوم قرآن اختصاص دارد و چهار تن (موارد ۱-۲-۵-۶) به تألیف تفسیری کامل از قرآن کریم اهتمام کردند و دو نفر (موردهای ۳-۴) به تفسیر موضوع خاصی از قرآن پرداخته‌اند؛ لذا می‌توان این برداشت را کرد که توجه مردم و عالمان به معارف و تفسیر قرآن در این سده بیشتر بوده و یا اهتمام به نگارش معارف قرآن وسعت بیشتری داشته است. همچنین برخی مانند ابراهیم ثقفی کوفی و ابو مسعود رازی با استفاده از تفسیر قرآن و آیات در سیره اهل بیت علیهم‌السلام به بیان معارف ایشان پرداختند که در گرایش مردم اصفهان به تشیع تأثیر بسزائی داشت.

در این سده علاوه بر مولفان قرآن پژوه شاهد حضور افراد متعددی هستیم که هرچند تالیفاتی برای آنان ثبت نشده ولی در علوم قرآنی سرآمد بودند برای نمونه می‌توان به «بکر بن سلیمه بن واقد التمیمی» (متوفای ۲۵۰ق) (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۱، ۲۳۵). و «ابوبکر احمد بن علی بن حسن المقرئ» (زنده در سال ۲۵۰ق) (همان، ۱۵۲). و «حسین بن حسن بن مهران خیاط» (متوفای ۲۵۴ق). (صبری، ۱۴۱۰، ۴۳۲). و «ابوالحسین محمد بن محمد بن عبدالله جرجانی» (متوفای ۲۵۵ق) (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۹۲). و «ابوالفضل عباس بن اسماعیل الطامذی» (متوفای ۲۶۰ق) (همان، ۱۴۰). و «ابو اسحاق ابراهیم بن احمد فاش» (متوفای ۲۸۱ق) (همان، ج ۱، ۱۸۷). و «محمد بن نصر بن قاسم مقرئ» (متوفای ۲۸۱ق) (همان، ج ۲، ۲۰۸). و «ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن مصعب خطیب» (متوفای ۲۹۱ق) (همان، ج ۲، ۲۱۹). اشاره کرد و از «ابوبکر محمد اسدی اصفهانی» (متوفای ۲۹۶ق) (همان، ج ۲، ۲۲۶). نام

برد. او ادیب، لغوی و نحوی و امام و پیشوای قاریان زمان خود بود و در قرائت «ورش» استاد بی‌بدیل است، به طوری که مردم عراق این قرائت را از او اخذ نمودند. (ابن جزری، ۱۴۱۸، ۱۱۴ - مهدوی، ج ۲، ۹۱۲).

نام	وفات	تالیفات قرآنی	دامنه تحقیق
احمد رازی	۲۵۸ ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
اسماعیل ابن مردانیه	۲۶۰ ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
داوود ظاهری	۲۷۰ ق	«احکام القرآن»	تفسیر قرآن
ابراهیم ثقفی	۲۸۳ ق	«ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین»	تفسیر قرآن
ابن النبیل	۲۸۷ ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
عبدالرحمن رازی اصفهانی	۲۹۱ ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
ابو عبدالله اصفهانی	-	«الجامع» «رسم القرآن الکریم» «العدد» «جواز قراءة القرآن علی طریق المخاطبة»	علوم قرآن

### سده چهارم

در این سده ستاره اقبال اصفهان طلوع کرد و این شهر به تصرف آل‌بویه درآمد و توسعه و گسترش آن شروع شد و جمعیت آن افزایش یافت و بزرگان دستگاه آل‌بویه، همچون صاحب بن عبّاد، دانشمند، سیاستمدار و وزیر آل‌بویه به عمران و آبادانی اصفهان توجه خاصی نشان دادند و عمارات عالی و مسجدی به نام جورجیر با مناری به ارتفاع یکصد ذراع با شبستان‌ها و خانقاه‌ها و کتابخانه‌ها و مدرّس ساخته شد (مافروخی، ۱۳۸۵، ۸۶) و شهر چنان با عظمت گشت که ابن حوقل در سال ۳۶۷ق شهر اصفهان را آبادان و پرجمعیت، ثروتمند و شهری بازرگانی معرفی و اشاره میکند که در کنار زاینده رود کاخ‌های مجللی وجود داشته است (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ۱۰۵)

این شکوه و آبادانی تنها در ابنیه نبوده بلکه در فرهنگ و دانش نیز در سده چهارم و پنجم شاهد گسترش علم و حضور اندیشمندان و نخبگان در بین احاد مردم اصفهان هستیم که از انبوه این پژوهشگران، گزارش شانزده قران پژوه در سده چهارم در این شهر به ما رسیده است:

۱- «ابو العباس، ولید بن ابان بن توبه اصفهانی» (متوفای ۳۱۰ق) در دو زمینه تفسیر و حدیث تلاش‌های علمی فراوانی داشت و بسیاری از عالمان اهل سنت به روایاتش اعتماد و اطمینان دارند و از مفسران بزرگ قرآن کریم به حساب می‌آید که توانسته تفسیر کاملی



بر قرآن بنگارد. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۳۳۴؛ ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ۷۸۴؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۹، ۴؛ آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۱۱۷)

۲- «ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی» معروف به «کاتب اصفهانی» و «ابو مسلم اصفهانی» (۲۵۴-۳۲۲ق) مفسر، ادیب، لغوی، نحوی، شاعر و کاتب، پیرو مذهب معتزله بود و ابتدا منصب کتابت «داعی صغیر محمد بن زید حسینی» را بر عهده داشت و سپس از طرف مقتدر عباسی، حاکم قم و سپس اصفهان شد.

او مولف کتاب‌های «الناسخ والمنسوخ»، «کتاب فی النحو» و «کتاب همزه» است ولی مهم‌ترین اثر این عالم سیاست‌مدار، تفسیر «جامع التأویل» است که تفسیر قرآن بر حسب رأی معتزله بوده و در این تفسیر به عقاید معتزله بسیار اهمیت داده است. (حسن بن محمد، ۱۳۸۵، ۲۱۷ و ۲۱۸؛ حموی، ج ۱۸، ۳۵ و ۳۶؛ فقیه ایمانی، ۱۳۷۴، ۲۱۴؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲، ۱۷۵؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۸۹۸؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۶، ۵۰؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۹، ۹۷؛ آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۱۴۶)

۳- «ابوالحسن عباد بن عباس بن عباد طالقانی» (متوفای ۳۳۴ یا ۳۳۵ق) وزیر رکن‌الدوله دیلمی و پدر صاحب بن عباد است که علاوه بر سیاست، در علم و دانش مقامی بلند داشت و به تربیت شاگردانی پرداخت و در علم حدیث، زبان‌زد دوران خود گردید به گونه‌ای که «ابوبکر بن مردویه» و تعدادی از فضلاء اصفهان از او حدیث نقل کرده‌اند.

وی توانست با وجود مشغله‌های فراوان و تدریس و تربیت شاگردان، تألیفات متعددی از خود به یادگار بگذارد که می‌توان به کتاب‌های «رساله‌ای در آیات الاحکام» و «رساله احکام القرآن» اشاره کرد. (بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۳۶؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۵، ۵۷؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸؛ ج ۴، ۲۳۴؛ مهدوی، ج ۱، ۲۷۵)

۴- «ابو احمد محمد بن احمد بن ابراهیم عسال اصفهانی» (۲۶۹-۳۴۹ق) مفسر، قاری، محدث و مورخ بزرگ در اصفهان به دنیا آمد، و نزد پدرش و سپس اساتید اصفهانی شاگردی نشست و از شیوخ شهرهای همدان، بغداد، کوفه، بصره، حرمین، ری و خوزستان حدیث شنید و کسب فیض نمود و علوم خود را نزد آنان کامل گرداند.

از آثارش: «تفسیر القرآن»، «التاریخ»، «المعرفة فی السنة»، «الامثال»، «مسند الابواب»، «احادیث مالک»، «الرقائق»، «کرامات الاولیاء»، «معجم الشیوخ»، «غسل الجمعة» و «القرآت» می‌باشد. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۶، ۲۰۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱، ۲۷۰؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ۱۵-۶؛ ابی فلاح حنبلی، بی‌تا، ج ۲، ۳۸۰ و ۳۸۱؛ سیوطی، ۲۰۰۹، ۳۶۲ و ۳۶۳؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۸، ۲۲۶؛ صفدی، ج ۲، ۴۱، بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۳)

۵- «ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی» (۲۸۴-۳۵۷ یا ۳۶۰ق) در اصفهان به دنیا آمد. وسعت دانش او در زمینه‌هایی چون ادبیات، تاریخ، شعر، انساب، رجال، طب، نجوم و حدیث باعث شده که مورد توجه اکثر دانشمندان تمام مکاتب اسلامی واقع گردد. کتاب‌های «اغانی» و «مقاتل الطالبیین» از مشهورترین کتاب‌های او است. از تألیفات دیگر او کتاب «التنزیل فی امیرالمؤمنین واهله» است که نویسنده تلاش کرده آیاتی را که در شأن اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده، مشخص سازد. (موسوی خوانساری، بی‌تا، ج ۵، ۲۲۰؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۷، ۲۳۶؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۷۴)

۶- «ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد بن اشته اصفهانی» (متوفای ۳۶۰ق) دانشمندی عظیم در ادبیات و لغات عرب و عالمی جلیل‌القدر در علوم و قرائت‌های گوناگون قرآن کریم، در اصفهان به دنیا آمد و از اساتید و عالمان آن شهر بهره‌ها برد، ولی برای فراگیری هر چه بیشتر فنون قرائت، به زادگاهش اکتفا نکرد و به مصر کوچ نمود، تا از عالمان آن دیار استفاده برد. وی در مصر به تربیت شاگردان پرداخت و تألیفاتی را نیز از خود به جای گذازد. کتاب «المحبر» یکی از تألیفاتش است که «ابن جزری» درباره آن می‌گوید: «این کتاب از مقام عالی نویسنده‌اش پرده برمی‌دارد.» (آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۱۷۱) کتاب دیگر او به نام «المفید» از تألیفات و پژوهش‌های قرآنی‌اش محسوب شده که به بررسی قرائت‌های نادر می‌پردازد. (کحاله، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ۲۳۷)

۷- «سلیمان بن احمد بن ایوب طبرانی» (۲۶۰-۳۶۰ق) از بزرگان علم حدیث بوده و در این زمینه دارای سه معجم کبیر، اوسط و صغیر می‌باشد. او سی و سه سال به سرزمین‌های مختلفی چون حجاز، یمن، مصر و عراق جهت تحصیل علم مسافرت کرد و از صدها تن از مشایخ استماع حدیث نمود و در نهایت به اصفهان آمد و نزد محمد بن سهل رباطی اصفهانی تلمذ نمود و به استماع و فراگیری حدیث نشست و تفسیر مفصلی بر قرآن نوشت و در این شهر وفات نمود. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۳، ۱۲۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ۱۲۸؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۳۹۶؛ مهدوی، ۱۳۸۲، ۱۴۳؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۷۴۶)

۸- «ابو محمد عبدالله اصفهانی» معروف به «ابوالشیخ» (۲۷۴-۳۶۹ق) محدث و مفسر در اصفهان به دنیا آمد و به تربیت شاگردانی همچون ابن منده، ابن مردویه، ابو نعیم، ابن سمویه و... در مکتب حدیثی خود پرداخت و توانست حدود پنجاه اثر از خود بر جای گذارد که کتاب‌های «ثواب الاعمال» در پنج جلد، «السنن» در چند مجلد، «السنّة»، «طبقات المحدثین باصفهان والواردین علیها» و «العظمة» حاصل این تلاش است. عبدالله اصفهانی علاوه بر نقل حدیث، مفسری توانمند بود و توانست کتاب «التفسیر»



را در علوم و تفسیر قرآن تالیف نماید. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۴، ۲۶۴؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۷، ۱۵۵ و ۱۵۶؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ۲۸۰-۲۷۶؛ حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ۱۴۰۶ و ۱۴۰۷ و ۱۴۳۹؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۶، ۱۱۴؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۴۷؛ جابری انصاری، ۱۳۷۸، ۲۹۴)

۹- «ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمن اصفهانی» معروف به «غزال زعفرانی» (متوفای ۳۶۹ق) از محدثان و قاریان که او را صاحب تألیفاتی در قرائت و وقف و ابتدا دانسته‌اند. (ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ۹۶۴؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۴۹؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ۱۴۲)

۱۰- «ابو سعید حسین بن محمد زعفرانی اصفهانی» (متوفای ۳۶۹ق) در اصفهان به دنیا آمد، روایت‌های متعددی از رسول خدا ﷺ بیان کرده و صاحب تألیفات زیادی از جمله کتاب‌های «المسند» و «الشیوخ» بوده و توانست تفسیری بر قرآن از خود برجای گذارد. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۱، ۲۸۳؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۳۰۵؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۴، ۵۵)

۱۱- «ابو سهل محمد صلوکی نیشابوری» (۲۹۶-۳۶۹ق) در اصفهان به دنیا آمد. به بصره رفت و چند سال در آن شهر تدریس نمود. سپس به اصفهان بازگشت و چندین سال در اصفهان اقامت داشت و در سال ۳۳۷ق به نیشابور رفت و بیش از سی سال کرسی درس و فتوای نیشابور را در اختیار داشت و فقهای نیشابور در محضر وی فقه آموختند. ابوبکر صیرفی گوید «اهل خراسان همچون ابوسهل را هرگز نخواهند دید» و صاحب بن عباد می‌گفت «ما همچون ابوسهل ندیده‌ایم و خود او نیز مانند خودش را ندیده است». در شریعت و طریقت، یگانه روزگار خود بود و قرآن را خوب تفسیر می‌نمود. (زرکلی، ۱۹۸۶، ۲۰۷؛ ذهبی، ۱۴۱۲، ج ۱، ۲۵۳؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۳، ۴۴۵ و ۴۴۶؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ۲۳۹-۲۳۵؛ صدقی، ۱۴۲۰، ج ۳، ۱۲۴ و ۱۲۵)

۱۲- «ابوبکر احمد بن حسین بن مهران مقرّی نیشابوری» (متوفای ۳۸۱ق) امام و پیشوای قرائت در زمانش و به تمام فنون تجوید و قرائت مسلط بود و کتاب‌های متعددی در این زمینه نگاشت که «الغایة فی العشر»، «الشامل فی القرائات»، «تحفة الانام فی التجوید»، «وقوف القرآن»، «اختلاف عدد السور»، «الوقف والابتداء»، «المبسوط»، «غرائب القرآن» و «طبقات القراء» از آثار او است. (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ج ۲، ۱۰۲۵؛ حموی، ۱۴۰۰، ج ۳، ۱۳؛ آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۱۹۸ - زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۱، ۱۱۲)

۱۳- «ابوالقاسم اسماعیل بن ابی الحسن عباد» معروف به «صاحب بن عباد» (۳۲۶-۳۸۵ق) از سرشناس‌ترین چهره‌های علمی و ادبی، که به همراه پدر به اصفهان عزیمت کرد و پس از فوت پدر، از اساتید بزرگی همچون؛ ابن فارس، ابو سعید حسن بن عبدالله سیرافی، ابوبکر محمد بن یعقوب و ابو عمر صباغ، بهره‌های فراوان برد، و چند سالی به ری،

مهاجرت کرد و در درس «ابن عمید» وزیر و دانشمند آل بویه شرکت کرد و وقتی که استاد از توانایی شاگرد در انشاء متون ادبی آگاهی جست، وی را از نویسندگان مقام وزارت قرار داد و او از این فرصت بهره برد و چنان با سرعت مدارج ترقی و پیشرفت را طی کرد که علاوه بر توانایی علمی، توانست در امور سیاسی صاحب نظر گردد و به مقام وزارت آل بویه دست یابد و از این رهگذر خدمات شایسته‌ای به تشیّع و ترویج آن نماید و نام خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مروّجان مذهب تشیّع در سده چهارم ثبت کند. مقام او آن‌چنان بلند و رفیع است که «علامه امینی» درباره عظمت شخصیت صاحب، می‌نویسد: «او از کسانی است که هر اندازه شرح حال نویسد، ادیب و سخندان باشد، باز از بیان فضائل و مکارم او ناتوان است». (امینی، ۱۳۹۷، ج ۴، ۸۰-۴۰)

وی با نگارش رساله‌ها و کتاب‌هایی همچون کتاب «الابانة عن مذهب اهل العدل بحجج من القرآن والعقل» با استفاده از قرآن و براهین عقلی به بیان اعتقادات تشیّع و دفاع از آنها پرداخته است. از دیگر آثار گرانمایه او می‌توان به «الاقناع» در عروض، «الامثال السائرة» در علوم ادبی، «دیوان اشعار»، «رساله‌ای در فضایل حضرت عبدالعظیم حسنی»، «رساله‌ای در طب» و «المحیط» در علم لغت اشاره کرد.

اقدامات بایسته صاحب بن عباد در ترویج مذهب تشیّع و مقام علمی وی باعث گشت بزرگان شیعه با عظمت از او یاد کنند و حتی کتاب‌های خود را به روح وی اهداء نمایند که از جمله این بزرگان می‌توان به شیخ صدوق با اهداء کتاب «عیون اخبار الرضا» و قاضی علی بن عبدالعزیز جرجانی با اهداء کتاب «التهدیب» و شیخ حسن قمی با اهداء کتاب «تاریخ قم» اشاره کرد. مرقد شریف این دانشمند مخلص در محله طوقچی همچنان زیارت‌گاه مردم اصفهان است. (امین، ۱۴۱۶، ج ۳، ۳۴۷؛ جناب، ۱۳۸۵، ۳۴۰؛ آقا بزرگ تهرانی، ج ۱، ۵۶؛ جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵، ج ۱، ۳۵)

۱۴- «ابو عبدالله محمد بن اسحاق حافظ اصفهانی» معروف به «ابن منده» (۳۱۰-۳۹۵ق) در اصفهان متولد شد و در طلب حدیث به بغداد، بخارا، بلخ، دمشق، مرو، مکه مکرمه و نیشابور سفر کرد. به گونه‌ای که بنا به گفته فرزندش عبدالرحمن، در مدت چهل سال از حدود ۱۷۰۰ نفر از محدّثین، اخذ حدیث کرد و عده‌ای نیز از او روایت کرده‌اند، و پس از برگشت به اصفهان، در حدود چهل بار شتر، کتاب همراه داشت.

ابو عبدالله اصفهانی دارای تألیفات متعددی است که از آن جمله می‌توان به «تاریخ اصفهان»، «التّوحد و معرفة اسماء الله واثبات صفاته معرفة» در هفت مجلد، «طبقات الصّحابة والتابعین»، «فتح الباب فی الکنی والالقب»، «مسند ابی حنیفه»، «مسند احادیث



ابراهیم بن ادهم» و «معرفة الصحابه» اشاره کرد. ولی سهم قرآن پژوهی او، کتاب «التاسخ والمنسوخ» است. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۱، ۳۰۶؛ کشف الظنون، ج ۲، ۱۱۰۴؛ زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۶، ۲۵۳؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۹، ۴۲ و ۴۳؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۸، ۲۳۴؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ۴۳-۲۸؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲، ۹۰ و ۹۱؛ آل قیس، ج ۶، ۳۴۷-۳۴۴؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۳۷؛ مهدوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۲۵) ۱۵- «ابوالعزم اصفهانی» مفسر و صاحب تفسیری بر سوره لقمان است. (بکائی، ۱۳۷۴، ج ۶، ۲۲۲۱)

۱۶- «محمد ابوالفضل اصفهانی» از زندگی این دانشمند سده چهارم اطلاعی در دست نیست، جز آنکه می‌دانیم کتاب «اختلاف المصاحف و رسمها» از او می‌باشد. (بکائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۲۲۶)

در سده چهارم توجه به قرآن و علوم و تفسیر و تعلیم و تعلم آن بیشتر از دوره‌های قبل بوده و به افراد متعددی برمی‌خوریم که تالیفات قرآنی نداشتند ولی خدمات بزرگی به جامعه قرآنی ارائه نموده‌اند که می‌توان از «ابو محمد عبدالله بن محمد مقری اصفهانی» معروف به «ابن لیلان» (متوفای ۳۸۰ق) نام برد که در نقطه‌گذاری مصحف شریف و قرائت‌های مختلف قرآن مجید، از اساتید دوران بوده است. (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۹۸ - مهدوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۹۹)

در این سده نویسندگان قرآنی را می‌توان اینگونه یاد کرد: آثار شش دانشمند قرآن پژوه اصفهانی (۶-۹-۱۲-۱۳-۱۴-۱۶) به علوم قرآن اختصاص دارد و پنج تن (۱-۷-۸-۱۰-۱۱) به تفسیر کامل اهتمام کردند و دو نفر (۲-۴) به علوم و تفسیر کامل توجه داشته و یک نفر (۱۵) تفسیر یک سوره را انجام داده و دو نفر (۳-۵) به تفسیر موضوع خاص پرداخته‌اند. در این سده افراد متعددی از قراء و عالمان قرآنی در این شهر به ارائه مباحث قرآنی پرداخته اند که می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

۱- «ابو عبدالرحمن عبدالله بن محمد بن عیسی المقری»؛ (متوفای ۳۰۶). (ابونعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۶۷).

۲- «ابوالحسن محمد بن احمد بن ایوب بن الصلت المقری»؛ معروف به ابن شنبوذ بغدادی که در سال ۳۰۳ ق به اصفهان آمد و نزد دایی خود ابو العباس بن محمود زندگی کرد و تا سال ۳۱۱ ق زنده بوده است. (همان، ۲۶۰).

۳- «ابو عبدالله بن محمد بن احمد بن حسن بن عمر فرخان کسائی»؛ (متوفای ۳۴۷). (همان، ۲۸۲).

۴- «ابو طیب محمد بن احمد بن یوسف بصری مقری»؛ (متوفای ۳۴۹) در بغداد به

دنیا آمد و به اصفهان عزیمت کرد و به ارائه مباحث قرآنی و قرائت قرآن پرداخت. (همان، ۲۸۸).

۵- «ابوبکر محمد بن عبدالله بن مشاذ»: (متوفای ۳۴۹ ق) معروف به قنديل. (صبری، ۱۴۱۰، ۴۳۴).

۶- «ابوالعباس احمد بن عبدالله بن محمود بن شاپور» معروف به خرطیة، فقیه و دارای کتب متعدد و عالم قرائت بوده است. (همان).

۷- «ابوبکر احمد بن محمد بن یحیی الضریح الجنازی»: (متوفای ۳۵۰ ق). در عراق به دنیا آمد و به اصفهان عزیمت کرد، بزرگان او را اهل فضل و اهل قرآن دانسته و جلسات قرآن برپا می نمود. (همان).

۸- «ابوبکر عبدالله بن احمد بن سعود المطرز المقرئ»: (متوفای ۳۵۱ ق). (همان، ۴۳۵).

۹- «ابوبکر محمد بن اسحاق بن ایوب بن کوشید المقرئ»: (متوفای ۳۵۳ ق). (همان).

۱۰- «ابوبکر محمد بن احمد بن عبدالوهاب بن داود بن بهرام السلمی المقرئ»: (متوفای ۳۵۵ ق). (همان).

۱۱- «ابوالحسن علی بن احمد بن محمد المقرئ»: (متوفای ۳۵۷ ق) معروف به ابن بامرویه. (همان).

۱۲- «ابو عبدالله محمد بن جعفر بن محمد الاثنائی المقرئ»: (م قبل از ۳۶۰ ق). (همان).

۱۳- «ابوبکر احمد بن الفضل بن محمد بن احمد بن جعفر الباطرقانی»: (م ۳۶۰ ق). وی فردی عالم، راوی حدیث بود و قرآن را به قرائت مختلف تلاوت می کرد. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۱، ۱۸۶).

۱۴- «ابوالعباس حسن بن سعید المقرئ العبادانی»، (زنده در سال ۳۶۰ ق). و در سال ۳۵۵ ق به اصفهان آمد و دو سال در این شهر اقامت گزید. ایشان در رأس قراء و راویان حدیث در این شهر قرار داشت. (ابو نعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۷۶).

۱۵- «ابوبکر محمد بن عبدالرحمن بن فضل»، (زنده در سال ۳۶۰ ق). ایشان صاحب تفاسیر و قرائت مختلف بوده ولی اثری از وی به جا نمانده است. (صبری، ۱۴۱۰، ۴۳۶).

۱۶- «ابوالحسن احمد بن مسلم بن محمد الملحمی»، (زنده در سال ۳۶۰ ق) در عراق به دنیا آمد و به اصفهان عزیمت کرد. (همان).

۱۷- «ابوبکر عبدالله بن محمد بن محمد بن فورک اصفهانی»، معروف به قباب المقرئ. (متوفای ۳۷۰ ق). (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۰).

۱۸- «ابوبکر محمد بن عبدالله ابن احمد الرصاص»، (وفات قبل از ۳۸۰ ق). ایشان اهل





فضل و از عالمان قرآن بوده است. (ابو نعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۳۰۲).

۱۹- «ابوبکر محمد بن ابراهیم بن علی بن عاصم المقری»، (متوفای ۳۸۱ ق). به عراق، شام، مصر و یمن سفر کرد و قرآن را از قراء معروف شنید و به اصفهان آمد و به قرائت قرآن پرداخت. (صبری، ۱۴۱۰، ۴۳۷).

۲۰- «ابوالحسن علی بن احمد بن یزداد»، (متوفای ۳۸۰ ق)، از او قرآنی به خط وافی روایت شده است ولی امروزه از این قرآن ما اطلاعی نداریم. (همان).

۲۱- «ابوالقاسم منصور بن محمد بن السندی مقری»، (متوفای ۳۸۶ ق). به بصره و بغداد سفر کرد و اعراب قرآن را به صورت کامل استخراج و روایت نمود. (ابو نعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۳۲۱).

۲۲- «ابو اسماعیل خلف بن احمد بن عباس رامهرمزی»، (متوفای ۳۹۳ ق). به مصر، شام، عراق سفر کرد و سپس به اصفهان آمد و به خراسان عزیمت نمود و در آن شهر از دنیا رفت. (صبری، ۱۴۱۰، ۴۳۷).

۲۳- «ابو عبدالله محمد بن احمد بن عبدالاعلی»، (متوفای ۳۹۳ ق). به مصر، شام، عراق و خراسان سفر کرد و سپس به اصفهان آمد و نزد علی بن مرزبان قرائت قرآن را فرا گرفت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ۳۶۰).

۲۴- «ابو عمر عبدالله بن احمد عبدالوهاب المقری»، (متوفای ۳۹۴ ق). (ابو نعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۹۸).

نام	وفات	تالیفات قرآنی	دامنه تحقیق
ولید اصفهانی	۳۱۰ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
محمد ابو مسلم اصفهانی	۳۲۲ق	کتابهای «جامع التأویل» «الناسخ و المنسوخ»	تفسیر و علوم قرآن
عباد طالقانی	۳۳۵ق	کتابهای «رساله‌ای در آیات الاحکام» و «رساله احکام القرآن»	تفسیر قرآن
محمد عسال اصفهانی	۳۴۹ق	«تفسیر القرآن»، «القرآت»	تفسیر و علوم قرآن
ابوالفرج اصفهانی	۳۶۰ق	«التنزیل فی امیرالمؤمنین و اهله <small>علیهم السلام</small> »	تفسیر قرآن
ابن اشته اصفهانی	۳۶۰ق	کتاب «المفید»	علوم قرآن
سلیمان طبرانی	۳۶۰ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
عبدالله اصفهانی	۳۶۹ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
ابوعبدالله غزال زعفرانی	۳۶۹ق	تالیفاتی در قرائت و وقف و ابتداء	علوم قرآن

حسین زعفرانی اصفهانی	۳۶۹ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
محمد صلوعکی نیشابوری	۳۶۹ق	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
احمد نیشابوری	۳۸۱ق	«الشامل فی القرائات»، «تحفة الانام فی التجوید»، «وقوف القرآن»، «اختلاف عدد السور»، «الوقف والابتداء»، «المبسوط»، «غرائب القرآن» و «طبقات القراء»	علوم قرآن
صاحب بن عباد	۳۸۵ق	کتاب «الابانة عن مذهب اهل العدل بحجج من القرآن والعقل»	علوم قرآن
محمّد ابن منده	۳۹۵ق	کتاب «التاسخ والمنسوخ»	علوم قرآن
ابوالعزم اصفهانی	-	تفسیری بر سوره لقمان	تفسیر قرآن
محمد اصفهانی	-	کتاب «اختلاف المصاحف و رسمها»	علوم قرآن

### سده پنجم

شهر اصفهان در سده پنجم با اهتمام کارگزاران دولت شیعی و دانش پرور و هنر دوست آل بویه از رشد و عظمت برخوردار شد و در روزگار «علاء الذوله محمدبن رستم دشمن زیار کاکویه»، حصارى در حدود پانزده هزار گام به دور شهر کشیده شد (مافروخی، ۱۳۸۵، ۸۱) و در سال ۴۴۳ق این شهر بدست سلجوقیان افتاد و موجبات رشد شهر سازی و هنر معماری و توسعه مدنی آن به گونه‌ای دیگر فراهم شد که ناصر خسرو قبادیانی، شاعر و سیاح ایرانی یک سال پس از تصرف شهر به دست سلطان طغرل سلجوقی، آن را چنین توصیف کرده است: «در همه زمین پارسی گویان، شهری نیکوتر و جامعتر و آبادتر از اصفهان ندیدم. شهری است بر هامون نهاده، آب و هوایی خوش دارد... اندرون شهر همه آبادان و بازارهای بسیار و بازاری دیدم از آن صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود. کوجه‌ای بود که آن را کو طراز می‌گفتند و در آن پنجاه کاروانسرای نیکو و در هر یک بیاعان و حجره داران بازنشسته» (ناصر خسرو، ۱۳۶۳، ۱۶۶)

در روزگار فرمانروایی سه سلطان بزرگ سلجوقی، بر توسعه و رونق و شکوه اصفهان افزوده شد و هر کدام از سلاطین سلجوقی با مشورت وزرائی همچون خواجه نظام الملک، هزاران هزار دینار خرج توسعه علمی و فرهنگی شهر نمودند و عمارات و ابنیه بسیاری در این شهر بنیاد کردند؛ به گونه‌ای که طول شهر چهارده فرسنگ و عرض آن شش فرسنگ با هشتصد دیه و مزرعه بوده است (مافروخی، ۱۳۸۵، ۴۷) در ایام سلجوقیان شهر در تمام صفحات



شمالی رودخانه زاینده رود گسترش یافت و دارای محلات بی شمار گردید که آبادترین آن‌ها دردشت بود و قصرها و باغات بی شماری داشت (همان، ۲۸)

خواجه نظام الملك (وزیر دانشمند ملکشاه) مدرسه نظامیه را در سال ۴۵۷ق در محله دردشت بنیان نهاد و آموزش عالی در اصفهان رشد کرد و نهادینه شد و این مدرسه الگویی برای تأسیس دیگر مدارس این شهر گردید، ولی بر خلاف رشد و شکوفایی علمی در اصفهان، انحصار تدریس فقه شافعی و ممنوعیت تدریس علوم عقلی و حکمت در این مدرسه موجبات رشد طوفان انحطاط عقلی و مبارزه با سیرآزادی اندیشه را فراهم کرد. مسجد جامع اصفهان و مدرسه نظامیه کارکردی همچون يك دانشگاه بزرگ اسلامی داشتند و همچنین موجب شدند تا آوازه علمی این شهر در جهان اسلام طنین افکند و از سده سوم تا هفتم، به عنوان پایتخت ادب عربی و حدیث اسلامی شهرت پیدا کند.

درخشش فرهنگی و علمی و مدنیت اصفهان در این دو دوره پایتختی به جایی رسید که محمد بن سلیمان راوندی، مورخ درباری آل سلجوق در این باره می‌نویسد: «روزی در خدمت رکن الدین صاعد بن مسعود، قاضی القضاة شرق و غرب، بیشتر فضایل اصفهان حاضر بودند و هر کدام از صفات بارز این شهر حکایت می‌کردند. کمال الدین از اکابر زمان می‌گفت: اگر بهشت عدن در زمین خواهد بود، به زمین اصفهان باشد و گر به آسمان است، بر اصفهان است. به هر حال اصفهان نمودار بهشت است» (راوندی، ۱۳۶۳، ۴۱)

در چنین شرایطی شاهد ظهور دانشمندان متعدد در رشته‌های مختلف هستیم که نام و یا اثر تألیفی سیزده تن از آنان در باره قرآن است:

۱- «ابوالحسن اسدآبادی همدانی» (متوفای ۴۱۴ یا ۴۱۵ق) مفسر، فقیه و شیخ معتزلیان در روزگار خود بود و آنان وی را به لقب «قاضی القضاة» ملقب ساخته بودند.

به اصفهان آمد و خدمت عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی تلمذ نمود و از او احادیث فراوانی شنید. در بازگشت از حج به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. او از استادان سیدرضی و با يك واسطه از مشایخ روایت خطیب بغدادی است. مناظره شیخ مفید با او در موضوع حدیث غدیر واصحاب جمل مشهور است که در پایان، شیخ مفید را به جای خود بر مسند نشاند وگفت: «حقاً که تو مفیدی».

او به دعوت صاحب بن عباد از بغداد به ری آمد و به تدریس مشغول شد و همچنین عهده‌دار مقام قضاوت ری و تمام توابع آن بود و در همانجا نیز درگذشت.

کتاب‌ها و نوشته‌جات بسیاری در مذهب اعتزال بدو منسوب است که گویند هزاران

ورق بوده است. از آثار قرآنی وی: «تنزیه القرآن عن المطاعن»، «تفسیر القرآن»، «دلائل النبوة»، «امالی»، «طبقات المعتزلة» و «المجتبی فی القرات» است. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۴، ۴۷؛ موسوی خوانساری، بی‌تا، ج ۵، ۱۶-۱۸؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۴، ۴۱۵ و ۴۱۶؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۷، ۲۴۴ و ۲۴۵؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۸، ۳۱-۳۴؛ بغدادی، ج ۱، ۴۹۸ و ۴۹۹)

۲- «ابوجعفر محمد بن ابراهیم اردستانی» (متوفای ۴۱۵ق) ادیب و راوی حدیث و مولف کتاب «ترجمة الخواص» در تفسیر سوره انفال. (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ۲۹۸ - بکائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۵۱۰)

۳- «ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه» مشهور به «ابن مردویه کبیر» (۳۲۳-۴۱۶ق) کتاب‌های «التفسیر»، «التاریخ» و «المستخرج علی صحیح البخاری» از جمله تألیفات اوست و عشق وافر به ائمه اطهار (ع) و امیرالمؤمنین علی (ع) باعث گردید کتابی در مناقب امیرالمؤمنین به رشته تحریر درآورد. قبرش در سده ماریین اصفهان است که به «بابا مردویه» معروف می‌باشد. (مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۳۱؛ آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۱۱؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۵، ۷۱؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸؛ ج ۲۲، ۳۲۲)

۴- «ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا» مشهور به «ابن سینا» یا «ابو علی سینا» (۳۷۰ تا ۳۷۵-۴۲۷ یا ۴۲۸ق) وی چنان باهوش بود که توانست تا سن ده سالگی کتاب‌های زیادی مطالعه کرده و حفظ نماید. وی به مدت چهارده سال در دربار «علاءالدوله دیلمی» در اصفهان با آرامش زندگی کرد و توانست تألیفات بسیاری از خود به یادگار بگذارد. برخی از بزرگان، تعداد ۲۷۶ عنوان کتاب را به او نسبت داده‌اند که مهم‌ترین آثارش عبارتند از: «الشفاء»، «الاشارات والتنبیها»، «النجاة» در زمینه فلسفه و کتاب «قانون» در زمینه پزشکی که سالیان متمادی در بلاد اسلامی و اروپا تدریس می‌شد؛ اما اشتغال وی در فلسفه و پزشکی، باعث نگردید از تألیفات قرآنی غافل شود. تفسیرهای کوچک او که به شیوه فلسفی نگاشته شده است و تا عصر حاضر از گزند حوادث روزگار در امان مانده، چندین سوره از این کتاب مقدس را در بر می‌گیرد، که از آن جمله‌اند: تفسیر بر سوره‌های حمد، فلق، ناس، اخلاص، الاعلی و آیه «تَمَّ أَشْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ...». (سوره بقره، ۲۹)

هر چند مقبره‌ای در شهر همدان به ابن سینا نسبت داده شده، اما برخی برآنند که وی در اصفهان از دنیا رفته و در همین شهر در محلّه «شهبان» یا کوی «در دشت» مقابل مسجد «پاگلدسته» به خاک سپرده شده است. (مهدوی، ۱۳۸۲، ۷۵؛ ابن ابی اصیبعه، ۱۹۹۵، ۴۳۷؛ موسوی خوانساری، بی‌تا، ج ۳، ۱۷۰-۱۸۵؛ امین، ۱۴۱۶، ج ۶، ۲۴۰)



۵- «ابو عبدالله محمد بن عبدالله خطیب اصفهانی» معروف به «خطیب اسکافی» (متوفای ۴۲۷ق) ادیب، لغوی، نحوی، در اصفهان به دنیا آمد. وی شعر عربی را فصیح و بلیغ می‌سروده است. در ری از مصاحبان صاحب بن عباد بوده و در آن شهر منصب «خطابت» را بر عهده داشته است. مقام علمی او آنچنان عالی است که صاحب، او را یکی از چیره‌دستان و پیروزمندان صحنه دانش دانسته است. تألیفاتی نیز دارد که از آن جمله است: «دره التّنزیل فی بیان الآیات المتشابهات فی کتاب الله العزیز» که پژوهش عمیقی در آیات متشابه بوده است.

از دیگر آثار او می‌توان به «شرح شواهد سیبویه»، «لطف التّدبیر فی سیاسات الملوک»، «مبادئ اللّغة العربیة» و «نقد الشّعر» اشاره کرد. (مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۵۱؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۳۹۶؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۶۴؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ۲۱۱)

۶- «ابو عبدالله حمزه بن حسن اصفهانی» (متوفای ۴۲۸ق) عالم و ادیب تألیفات متعدد از جمله تألیفات قرآنی وی می‌توان به کتاب «التنبیه علی حروف الصحف» اشاره کرد (بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۳۶۶؛ ابن خلکان، ۱۳۶۴، ج ۲، ۲۴۵)

۷- «حافظ ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی» (۳۳۰ یا ۳۳۶- حدود ۴۳۰ق) محدّثی جلیل‌القدر و عالی‌مقام که در اصفهان متولّد شد و برای تحصیل دانش به شهرهای مختلف مسافرت کرد. نویسنده «روضات الجنّات» ابو نعیم را پیرو آل ابیطالب و شیعه دانسته و اکثر عالمان شیعه و سنی، با عظمت از او یاد کرده‌اند.

فعالیت قرآنی وی مربوط به کتابی است که در منزلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نوشته و آیات مربوط به آن حضرت را در آن کتاب با عنوان «ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین علیه السلام» گردآوری کرده است. نسخه‌ای از این تفسیر تا سده هفتم هجری در دست بوده و ابن بطریق، نسخه‌ای از آن را در اختیار داشته و در تفسیر خود به نام «خصائص الوحی المبین» آنچه را که لازم دیده از آن نقل نموده است.

کتاب‌های «تاریخ اصفهان»، «حلیة الاولیاء» و «اربعین» در حالات حضرت مهدی علیه السلام، از دیگر آثار مهم ابو نعیم به حساب می‌آیند، سرانجام او در اصفهان درگذشت و قبر او در قبرستان «آب‌بخشان» این شهر است. (موسوی خوانساری، بی‌تا، ج ۱، ۲۷۲ - جابری انصاری، ۱۳۷۸، ۳۰۲ - مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۲۴)

۸- «ابو مسلم محمد بن علی بن محمد بن مهریزد بن بحر نحوی اصفهانی» معروف به «محدث اصفهانی» و «ابو مسلم اصفهانی» (۳۶۶- ۴۵۹ق) از بزرگان معتزله و مفسران برتر که مقام او در تفسیر چنان عالی است که نام او را به عنوان یکی از سه مفسّر بزرگ

سده‌های سوم تا پنجم هجری قمری ذکر کرده‌اند. چرا که در میان مفسران آن دوره‌ها، نام سه شخصیت مهم خودنمایی می‌نماید. اول: «ابو مسلم کاتب اصفهانی» (در سده چهارم نام او گذشت)، دوم: «ابوالحسن محمد بحر رهنی» (متوفای ۳۵۰ ق)، سوم: «ابو مسلم محدث اصفهانی» (صاحب عنوان).

ابو مسلم آشنا به عربیت و به گفته یحیی بن منده، آشنای به نحو بود. او از شاگردان ابوبکر بن مُقَری بود و سعید بن ابی رجاء صیرفی و حسین خلّال و محمد بن خمد کبریّتی از وی روایت کرده‌اند. او شیخ و استاد اسماعیل بن علی حمامی است.

سیوطی در کتاب «طبقات الحفاظ» می‌گوید: «ابو مسلم اصفهانی، ادیب و مفسر، از آگاهان به علم نحو، ادبیات و تفسیر می‌باشد و تفسیری به نام «جامع التأویل لمحكم التنزیل» در بیست جلد نگاشته است». (سیوطی، ۲۰۰۹، ۲۷۰)

از آثار دیگر وی می‌توان به «ناسخ الحدیث ومنسوخه» اشاره کرد. (بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۲،

۷۱؛ مهدوی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۹۱۷ - کحاله، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ۴۹؛ آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۲۸)

۹- «احمد بن فضل بن محمد باطرقانی» (۳۷۲-۴۶۰ ق) در باطرقان اصفهان (خیابان هاتف) دیده به جهان گشود. وی از استادان زبردست در فن قرائت بوده که توانسته به مقام «شیخ القراء» نائل آید. او همچنین از محدّثان و راویان مشهور می‌باشد و امامت جماعت مسجد جامع اصفهان را بر عهده داشت. کتاب‌های «طبقات القراء» و «الشواذ» در فن قرائت و «المسند» در حدیث، از آثار او می‌باشد. (بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۷۳؛ سمعانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۲۵۹؛ زرکلی، ج ۱، ۱۹۵ - آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۳۰)

۱۰- «ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده حافظ اصفهانی» (۳۸۱ یا ۳۸۱-۴۷۰ ق) از مشاهیر محدّثان و فقیهان حنبلی که برای اخذ حدیث به سفرهای متعدد رفت و در شهرهای بغداد، مکه مکرمه، نیشابور، شیراز و همدان از محدّثانی همچون زاهر بن احمد سرخسی، ابن مردویه، ابن خزیمه واسطی و محمّد بن ابراهیم جرجانی حدیث شنید و برای بزرگانی چون سید ابو محمّد حسن بن محمّد بن رضا علوی کرانی، ابوالحسن ظریف به محمّد نیشابوری، ابوعبدالله دقاق و محمّد بن غانم بن محمّد حدّاد نقل حدیث کرد. وی پیروان و طرفدارانی نیز در اصفهان داشته که به «عبدالرحمانیه» معروف بودند.

ابن منده در حسن خط نیز شهرت داشته، حدیث بسیار به خط خود کتابت نموده است. وی تألیفات بسیاری دارد در تاریخ و حدیث دارد ولی سهم قرآن‌پژوهی او کتابی با



عنوان «الآیات والعلامات من الآفات والشبهات» است. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۴، ۱۰۳؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۸، ۲۳۴؛ حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ۱۶۷۱؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۱۷)

۱۱- «ابو یوسف عبدالسلام بن بُنّاد قزوینی» معروف به «عبدالسلام قزوینی» (۳۹۳ یا ۴۱۱-۴۸۸ق) در قزوین به دنیا آمد و در زادگاهش به تحصیل پرداخت و نزد قاضی عبدالجبار همدانی کلام خواند و مذهب اعتزال را از او اخذ کرد. سپس به همدان رفت و نزد ابوطاهر بن سلمه تلمذ نمود و سپس در اصفهان رحل اقامت افکند و از اساتید میرز آن دیار از جمله ابو نعیم بهره‌ها برد. سال‌های متمادی در مصر به سر برد و پس از آن از دمشق دیدن کرد، ولی آنجا را باب طبع خود نیافت و آن شهر را «بلدُ النَّصَب» (یعنی شهر دشمنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و خاندانش) نامید.

از آثار قرآنی او می‌توان به «حدائق ذات بهجة» اشاره کرد که تفسیر کامل قرآن در سیصد مجلد است که هفت مجلد آن درباره سوره «فاتحة الكتاب» می‌باشد.

ابن بُنّاد قزوینی سرانجام به بغداد رفت و در آن شهر درگذشت و در گورستان «خیزران» دفن شد. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۴، ۱۳۱؛ ذهبی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ۶۱۶ و ۶۲۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸، ۱۷۸؛ حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ۶۳۴؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ۳۴۷-۳۵۰؛ کحاله، ق، ج ۵، ۲۳۱؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۶۹)

۱۲- «ابو عبدالله سلمان بن فتی» (متوفای ۴۹۵ق) از مفسران ولغویون در نهروان به دنیا آمد. یاقوت حموی گوید که نشو و نما او در ری بوده و به شهرهای عراق سفر کرد و به تعلیم پرداخت و سرانجام در اصفهان مقیم شد و در آن شهر از دنیا رفت. (حموی، ۱۴۰۰، ج ۱۱، ۲۵۱-۲۵۳)

ابن فتی دارای آثار متعددی است که سهم قرآن پژوهی او «تفسیر القرآن» و کتاب «علل القرات» است. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۳، ۱۶۹؛ موسوی خوانساری، بی‌تا، ج ۴، ۸۲-۸۴؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۸، ۱۳۷ و ۱۳۸؛ حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ۱۶۳ و ۲۱۲ و ۴۴۶ و ۸۱۲ و ۱۱۶ و ۱۳۱۳؛ کحاله، ۱۴۰۸، ج ۴، ۲۳۹؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ۳۱۱-۳۱۳)

۱۳- «ابوالقاسم، حسین بن محمد بن مفضل بن محمد» معروف به «راغب اصفهانی» (متوفای ۵۰۲ق) از دانشمندان بزرگ و طراز اول سده پنجم هجری قمری است. وی در بین تمام دانشمندان اسلامی اعم از شیعه و سنی از جایگاه و اعتبار بلندی برخوردار است. به طوری که هر دو گروه، سعی در انتساب وی به مذهب خود دارند.

فصل او بیشتر به جهت تخصصش در رشته‌هایی چون ادبیات عرب، لغت، شعر، اخلاق و علوم قرآنی است، به گونه‌ای که کتاب «المفردات فی غریب القرآن» که در آن به توضیح

و تبیین واژه‌های قرآن پرداخته، مورد استفاده هر دانش‌پژوهی است که سعی در مطالعه تخصصی در این زمینه دارد.

این کتاب به اندازه‌ای موشکافانه است که بسیاری از مفسرین عالی‌رتبه قرآن کریم از آن بهره برده‌اند. از جمله علامه سید محمد حسین طباطبایی در تفسیر المیزان، برای یافتن معنای دقیق هر واژه از این کتاب استفاده نموده و سخن راغب را «فصل الخطاب» قلمداد کرده است.

تلاش قرآنی راغب تنها به کتاب ذکر شده محدود نمی‌شود و کتاب‌های «مقدمه تفسیر القرآن»، «اسرار التأویل و غرة التنزیل»، «تحقیق البیان فی تأویل القرآن» و «حل متشابهات القرآن» از دیگر آثار وی در زمینه قرآن کریم است. از این رو به حق باید از وی به عنوان پژوهشگر قرآنی نام برد.

راغب اصفهانی در طول حیات خود علاوه بر آنچه ذکر شد، کتاب‌های دیگری هم تألیف کرد که «الذریعة الی مکارم الشریعة» در موعظه و اخلاق، «محاضرات الادباء و محاورات الشعراء» که گنجینه‌ای از ادب و امثال و شعر و حکمت و اخلاق است و به نقل از نویسنده «رجال اصفهان»، در کمتر کتابی این مطالب یافت می‌شود، و «تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین» از جمله کتاب‌های دیگر او است. (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ج ۱، ۳۷۷؛ بغدادی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۳۱۱؛ موسوی خوانساری، بی‌تا، ج ۳، ۱۹۷؛ امین، ۱۴۱۶، ج ۶، ۱۶۰)

در سده پنجم به نام «ابوبکر محمد بن حسن بن فورک اصفهانی»، مفسر، متکلم و اصولی؛ برمی‌خوریم که ظاهراً اصفهانی الاصل است ولی در این شهر زاده نشده و اقامتی در آن نداشته است چراکه او مدتی در عراق به تدریس پرداخت و پس از آن به شهری مهاجرت کرد و آنگاه که مخالفانش بر وی شوریدند و او را مجبور به ترك آن دیار نمودند بنا بر دعوت حاکم نیشابور به آن شهر رفت و مدرسه‌ای برایش بنا شد و وی توانست سال‌ها در آن شهر به تدریس بپردازد.

تألیفات ابن فورک در زمینه‌های مختلفی از جمله قرآن نزدیک به یکصد جلد است که به عنوان نمونه می‌توان به کتاب‌های، «التفسیر» و «حل الآیات المتشابهات» اشاره کرد. (جناب، ۱۳۸۵، ۷۵؛ بغدادی، ج ۲، ۶۰؛ آل قیس، ۱۳۶۲، ج ۱، ۲۰۴)

در این سده با آنکه شاهد تعویض حکومت و درگیری بین سیاسیون (که بعضاً به اندیشمندان نیز سرایت کرده) هستیم ولی باز هم مباحث قرآنی جایگاهی خاص داشته که در این میان، علوم قرآن رواج بیشتری نسبت به تفسیر قرآن داشته بگونه‌ای که فقط





دو تن از دانشمندان یاد شده (۳ و ۱۱) به تفسیر کامل قرآن پرداختند و البته سه نفر دیگر (۱- ۷- ۱۳) قرآن را به صورت کامل تفسیر کرده‌اند ولی به علوم قرآنی نیز توجهی خاص داشتند و در کنار تالیف تفسیر، دستنوشته‌هایی در زمینه علوم قرآن داشته‌اند، در این میان دو دانشمند (۲ و ۴) به تفسیر برخی از سوره قرآنی اکتفا کردند و یک نفر (۷) وظیفه خود را تفسیر یک موضوع خاص قرآنی دانسته است، با این حال پنج اندیشمند سده پنجم اصفهانی (۵- ۶- ۹- ۱۰- ۱۳) تمام وظیفه خود را در خدمت به علوم قرآن تشخیص داده‌اند و لذا بی‌جهت نیست که در این سده شاهد حضور افرادی در اصفهان باشیم که اهتمام بر آموزش علوم و فنون قرآنی داشتند ولی تألیف قرآنی نداشتند؛ برای نمونه به ذکر نام سیزده عالم اکتفا می‌کنیم:

۱- «ابوالفضل محمد بن جعفر بن عبدالکریم جرجانی»، (متوفای ۴۰۸ ق). به عراق، شام، مصر، فارس سفر کرد و به اصفهان آمده و به قرائت قرآن پرداخت و سپس با جمعی از قراء به خراسان عزیمت کرد. (سهمی، ۱۴۰۷، ۴۵۸).

۲- «محمد بن عبدالرحمن بن جعفر خلقانی»، (متوفای ۴۱۵ ق). او فردی عابد و از اصحاب ابا عثمان بن ابی هبیره میباشد. و قرائت قرآن را به صورت فصیح بیان میکرد. (ابو نعیم، ۱۳۷۷، ج ۲، ۳۰۸).

۳- «عبدالواحد احمد بن محمد باطرقانی» (متوفای ۴۲۱ ق) اهل محله باطرقان که هم‌اکنون جزء شهر اصفهان در خیابان هاتف قرار گرفته، می‌باشد. او از پیشوایان در قرائت قرآن کریم و محدثان برتر روزگار خویش بود. وی در اصفهان زیست و به علوم قرائت پرداخت و شاگردانی را تربیت کرد. (سمعی، ۱۴۱۹، ج ۱، ۲۵۹).

۴- «ابوالحسن محمد بن علی بن محمد المعدن»، (۳۳۶ - ۴۲۲ ق). (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۳، ۹۴).

۵- «ابوبکر محمد بن عثمان بن احمد بصری اصفهانی» (۳۵۴ - ۴۳۵ ق) معروف به جرعی. ساکن بغداد بود و به بصره و سپس اصفهان عزیمت کرد. (صبری، ۱۴۱۰، ۴۳۹).

۶- «ابوبکر محمد بن عبدالله بن احمد مرزبان اصفهانی» (متوفای ۴۳۱ ق). معروف به ابی شیخ؛ بزرگ قرائت قرآن بود و قرآن را بر ابی بکر بن فورک تلاوت کرد. (همان).

۷- «ابوالقاسم طاهر بن محمد بن عبدالله العکلی»، (متوفای ۴۳۹ ق). (حموی، ۱۴۰۰، ج ۲، ۱۰۶).

۸- «ابو منصور محمد بن احمد بن قاسم اصفهانی»، (متوفای ۴۴۰ ق). به شهر دمشق مهاجرت کرد و به کوفه و بصره عزیمت نمود و در اصفهان سکنی گزید. (صبری، ۱۴۱۰، ۴۳۹).

- ۹- «ابو محمّد عبدالله بن محمّد بن عبدالرحمن بکری وائلی اصفهانی» معروف به «ابن اللبان»، (متوفای ۴۴۶ ق) از مشاهیر فقهای شافعیه در اصفهان بوده، در پنج سالگی قرآن را حفظ نمود، در اصفهان، بغداد و مکه از دانشمندان بزرگی استماع حدیث نمود و علاوه بر فقه وحدیث، در قرائت و فنون تجوید نیز از دانشمندان به شمار می‌رفته، مدّتی منصب قاضی ایذه بر عهده او بوده وچندی هم در بغداد سکونت داشت و سپس به اصفهان بازگشت و در این شهر وفات یافت. (زرکلی، ۱۹۸۶، ج ۴، ۲۶۶؛ مدرس، ۱۳۶۲، ج ۸، ۱۷۸).
- ۱۰- «ابو طاهر محمد بن محمد بن علی المقرئ الاصفهانی»، (متوفای ۴۵۳ ق). او قرآن را از ابی بکر محمد بن ابراهیم فرا گرفت و برای ابو عبدالله بن حسین قرائت کرد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ۴۳۵).
- ۱۱- «ابو العباس احمد بن نصر مالکی المقرئ»، (سال ۴۶۰ ق زنده بوده)، او قرآن را در اصفهان از ابا بکر مقرئ و ابا عبدالله بن منده در سال ۴۶۰ ق فرا گرفته است. (صبری، ۱۴۱۰، ۴۴۰).
- ۱۲- «ابو نصر محمد بن عبدالرحمن خرجانی»، (متوفای ۴۷۵ ق). معروف به ابی تانة، او مرد صالح و عالمی بود که به شهر بغداد سفر و به اصفهان عزیمت نمود و مجالس قرآن در این شهر برگزار کرد. (حموی، ۱۴۰۰، ج ۲، ۴۱۸).
- ۱۳- «ابونصر محمد بن عمر بن محمد اصفهانی مقرئ»، (۳۹۸ - ۴۷۵ ق). راوی حدیث و در اصفهان اقامت داشت و نزد ابابکر احمد بن موسی علوم مختلف را فرا گرفت و شاگردان متعددی را در علوم قرآن تربیت کرد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۰۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نام	وفات	تالیفات قرآنی	دامنه تحقیق
ابوالحسن اسدآبادی همدانی	ق ۴۱۵	«تنزیه القرآن عن المطاعن»، «تفسیر القرآن»، و «المجتبی فی القرات»	تفسیر و علوم قرآن
محمد اردستانی	ق ۴۱۵	ترجمة الخواص» در تفسیر سوره انفال	تفسیر قرآن
ابن مردویه	ق ۴۱۶	تفسیری بر قرآن	تفسیر قرآن
حسین ابن سینا	ق ۴۲۷	تفسیر بر سوره های حمد، فلق، ناس، اخلاص، الاعلی و آیه «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ...»	تفسیر قرآن
ابو عبدالله محمد خطیب	ق ۴۲۷	«درة التنزیل فی بیان الآیات المتشابهات فی کتاب الله العزیز»	علوم قرآن
حمزه اصفهانی	ق ۴۲۸	«التنبیه علی حروف الصحف»	علوم قرآن
ابو نعیم اصفهانی	ق ۴۳۰	«ما نزل من القرآن فی امیرالمؤمنین (علیه السلام)»	تفسیر قرآن
محمد ابو مسلم اصفهانی	ق ۴۵۹	تفسیر «جامع التأویل لمحکم التنزیل» «ناسخ الحدیث ومنسوخه»	تفسیر و علوم قرآن
ابوبکر باطرقانی	ق ۴۶۰	کتابهای «طبقات القراء» و «الشواذ»	علوم قرآن
عبدالرحمان ابن منده	ق ۴۷۰	«الآیات والعلامات من الآفات والشبهات»	علوم قرآن
عبدالسلام قزوینی	ق ۴۸۸	تفسیر «حدائق ذات بهجة»	تفسیر قرآن
ابو عبدالله سلمان ابن فتی	ق ۴۹۳	«تفسیر القرآن» و کتاب «علل القرات»	تفسیر و علوم قرآن
حسین راغب اصفهانی	ق ۵۰۲	«المفردات فی غریب القرآن» «مقدمة تفسیر القرآن» «اسرار التأویل وغرة التنزیل» «تحقیق البیان فی تأویل القرآن» «حل متشابهات القرآن»	علوم قرآن

## نتیجه‌گیری:

با توجه به تحولات اصفهان، در سده‌های مختلف شاهد حضور و بروز چهره‌های قرآن پژوه در این شهر هستیم که تحولات سیاسی و اجتماعی در نقش‌آفرینی و تعداد آنان در پنج سده اول سهم داشته است، به طوری که در سده اول و دوم گزارشی از فعالیت قرآن پژوهی آنچنانی نداشتیم و در سده سوم، ۷ نفر و سده چهارم ۱۶ نفر و سده پنجم ۱۳ نفر را می‌شناسیم (جمعاً ۳۶ نفر)؛ که از این افراد یازده نفر به تفسیر کامل قرآن اهتمام داشتند و پنج تن تألیفات تفسیری و علوم قرآنی دارند و دوازده دانشمند به علوم قرآن پرداخته و پنج عالم قرآنی به تفسیر یک موضوع از قرآن توجه کرده و سه نفر به تفسیر برخی از سوره و یا آیات قرآن بسنده نموده‌اند.

آن چه از مجموع این پژوهش مستفاد می‌شود را می‌شود در چند مورد بیان کرد

۱- قرآن پژوهان اصفهان سهم ویژه‌ای در جهان اسلام دارند به گونه‌ای که علاوه بر تفسیرهای مختلف در سده‌های مختلف، نافع بن عبد الرحمن اصفهانی که جزء قراء سبعة به شمار می‌آید سهم ویژه‌ای در قرائت قرآن در طول تمدن اسلامی دارد.

۲- وجود مفسران مختلف با گرایش‌های اعتقادی مختلف در این شهر باعث رشد علوم قرآنی شد به گونه‌ای که در سده‌های سوم و چهارم که اوج دوران ناسخ و منسوخ نویسی است، در این شهر نیز مفسران به این نوع تفسیر نیز اهتمام داشتند و آثار بسیاری به قلم تحریر در آوردند

۳- گرایش‌های شیعی در بین مفسران اصفهانی باعث گردید که این شهر از لحاظ مذهبی به شیعه‌گری تمایل پیدا کند و یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های تشکیل حکومت آل بویه شیعه مذهب در این شهر گرایش مردم به شیعه‌گری بود که توسط مفسران تبیین شده بود.

۴- ایجاد مدارس علمی با محوریت آموزه‌های قرآنی حدیثی در قرن چهارم و پنجم توسط وزاری دانشمند ایرانی که در این شهر حضور داشتند همچون صاحب بن عباد و خواجه نظام الملک طوسی، سرآغاز ایجاد مدارس و دانشگاه‌های اسلامی بود به گونه‌ای که تا سالیان متمادی جهان اسلام از این میراث بهره برد.

۵- میراث مکتوب قرآن پژوهان اصفهانی، زمینه را برای رشد این علوم در قرون بعد ایجاد کرد به گونه‌ای که در دوران صفوی شاهد اوج این گونه مباحث در شهر اصفهان هستیم.

## کتاب نامه

- آقا بزرگ تهرانی (۱۴۰۸ق)، *الذریعة الى تصانیف الشیعة*، قم: اسماعیلیان
- آل قیس، قیس (۱۳۶۲ش)، *الایرانیون والادب العربی*، تهران: البحوث والتحقیقات الثقافیة.
- ابن ابی اصیبعه (۱۹۹۵م)؛ *عیون الانباء*؛ بیروت: دار مکتبة الحیاة.
- ابن اثیر (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن جزری، حافظ دمشقی (۱۴۱۸ق)، *النشر فی قراءات العشر*، بیروت: دار العلمیة.
- ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۵ق)، *لسان المیزان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم (۱۳۴۵ش)، *صوره الأرض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ.
- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۳۶۴)، *وفیات الاعیان*، تحقیق عباس احسان، بیروت: دارالفکر.
- ابوشامه (۱۳۹۵)، *المرشد الوجیز الى علوم تتعلق بالکتاب العزیز*، بیروت: دار صادر
- ابونعیم اصفهانی، حافظ (۱۳۷۷ش)، *ذکر اخبار اصفهان*، تهران: سروش.
- ابی فلاح حنبلی (بی تا)، *شذرات الذهب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابو شیخ محمد انصاری (بی تا)، *طبقات المحدثین باصفهان*، مخطوط، عراق: کتابخانه آصفیة رقم ۱۸۳۲۶.
- امین، محسن (۱۴۱۶ق)، *اعیان الشیعة*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امینی نجفی، عبدالحسین (۱۳۹۷ق)، *الغدیر*، بیروت: دارالکتاب العربی.
- بغدادی، اسماعیل (۱۳۸۷ق)، *هدیة العارفين*، تهران: اسلامیة.
- بکائی، محمد حسن (۱۳۷۴ش)، *کتابنامه بزرگ قرآن کریم*، تهران: قبله.
- جابری انصاری، حسن خان (۱۳۷۸ش)، *تاریخ اصفهان*، اصفهان: مشعل.
- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم (۱۳۸۵ش)، *گلشن ابرار*، قم: نشر معروف.
- جناب، میر سید علی (۱۳۸۵ش)، *رجال و مشاهیر اصفهان* (الاصفهان)، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- حاج سید جوادی، کمال (۱۳۷۹ش)، *اثر آفرینان*، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- حاجی خلیفه، مصطفی (۱۹۴۱م)، *کشف الظنون*، بغداد: مکتبه المثنی.
- حسن بن محمد قمی (۱۳۸۵ش)، *تاریخ قم*، قم: زائر.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، *معجم الادباء*، بیروت: دارالفکر.
- خطیب بغدادی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ذهبی، محمد (بی تا)، *تذکرة الحفاظ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ----- (۱۴۰۵ق)، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ----- (۱۴۱۲ق)، *الاعلام بوفیات اعلام*، بیروت: دارالفکر.
- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۶۳ش)، *راحة الصدور وآیة السور*، به اهتمام محمد اقبال، تهران: علمی
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۶م)، *الاعلام*، بیروت: دارالعلم للملایین.

- سجادی، سید احمد (۱۳۸۸)، *قرآن پژوهان اصفهان*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- سمعانی، عبدالکریم (۱۴۱۹ق)، *الانساب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صحمی، ابوالقاسم حمزه (۱۴۰۷ ق)، *تاریخ جرجان*، بیروت: عالم الکتب.
- سیوطی، عبدالرحمن جلال الدین (۲۰۰۹م)، *طبقات الحفاظ*، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیة.
- صبری، احمد لافی الغیری (۱۴۱۰ ق)، *الحركة الفكرية العربية في اصفهان*، مخطوط.
- صفدی، صلاح الدین (۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عاشوری، نادعلی (۱۳۷۷)، نافع بن عبد الرحمن قرآن پژوه برجسته و قاری ممتاز اصفهان، نشریه فرهنگ اصفهان، بهار و تابستان ۱۳۷۷.
- عقیلی، سید احمد (۱۴۰۰)، *واکاوی نقش آثار تفسیری قرآنی در فرهنگ و تمدن اسلامی، فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن*، بهار ۱۴۰۰.
- عقیلی، سید احمد و حمید خلیلیان (۱۳۸۷)، *جلوه قرآن در خاک تابان*، اصفهان: مرغ سلیمان.
- فقیه ایمانی، مهدی (۱۳۷۴ش)، *تاریخ تشیع اصفهان*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- قوام نیا، سید روح الله (۱۳۸۱)، *آشنائی با قرآن پژوهان اصفهان*، مجله قرآنی کوثر، تابستان و پائیز ۱۳۸۱.
- کتابی، سید محمدباقر (۱۳۷۵ش)، *رجال اصفهان*، اصفهان: گلهها.
- کحاله، عمر رضا (۱۴۰۸ق)، *معجم المؤلفین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کریمان، حسین (۱۳۴۹ش)، *ری باستان*، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- مافروخی، مفضل بن سعد (۱۳۸۵ش)، *محاسن اصفهان*، ترجمه حسین بن محمد آوی، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، اصفهان: بی جا
- مدرس، محمد علی (۱۳۶۲ش)، *ریحانة الادب*، تهران: خیام.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۲)، *تاریخ قرآن*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- موسوی خوانساری، محمد باقر (بی تا)، *روضات الجنات*، قم: اسماعیلیان.
- مهدوی، سید مصلح الدین (۱۳۸۳ش)، *دانشمندان و بزرگان اصفهان*، اصفهان: گلدسته.
- ----- (۱۳۸۲ش)، *مزارات اصفهان*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ----- (۱۳۸۵ش)، *اعلام اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۶۳ش)، *سفرنامه، با حواشی و تعلیقات فهارس به کوشش محمد دبیر سیاقی*، تهران: زوار.